

چالش رم

چرا پروتستانها شنبه را نگه می دارند ؟

اکثر مسیحیان تصور می کنند که یکشنبه، همان روز عبادت مورد تایید کتاب مقدس می باشد. به اعتراض از سوی کلیسای کاتولیک روم بود که ، روز عبادت مسیحیان از سَبَّت (روز شنبه) به یکشنبه انتقال یافت، و پس از آن تلاش کردند تا بگویند که این استدلال آنان مبنی بر این تغییر، در حقیقت در خود کتاب مقدس ایجاد شده است، که این خود نادرستی و انکار حقیقت از سوی اقتدار سیستم کاتولیک را نشان می دهد. در نتیجه اگر پروتستانها بخواهند تعالیم خود را تنها بر پایه و اساس کتاب مقدس قرار دهند، آنگاه می بایست در روز شنبه عبادت کند.

چند سال پیش، خبرنگار آینه کاتولیک، مجموعه ای از مقالات را منتشر کرد که در مورد حق کلیساهای پروتستان برای عبادت در روز یکشنبه بحث می کرد. در این مقاله تاکید شده بود، که یک فرد مسیحی می بایست روز شنبه را نگاه دارد، مگر اینکه مایل به پذیرش اقتدار کلیسای کاتولیک برای تعیین روز عبادت باشد. این یک نسخه کپی از آن مقالات است.

در تاریخ 24 فوریه 1893، کنفرانس عمومی ادونتیست‌های روز هفتم قطعنامه‌های خاصی را برای درخواست از دولت اتخاذ نمود. و با تصمیم دادگاه عالی کشور، و از اقدام کنگره در قانون گذاری در مورد موضوع دین، و مخالفت با اصل و تمام عواقب آن، چنین اعلام کرد که مردم ایالات متحده یک ملت مسیحی باشند. در مارس 1893، انجمن بین‌المللی آزادی مذهبی این قطعنامه‌ها را در یک رساله با عنوان استیناف و اعتراض چاپ کرد. با دریافت یکی از اینها، ویراستار آینه کاتولیک بالتیمور، مریلند، مجموعه ای از چهار سرمقاله را منتشر کرد که در مقالات تواریخ 2، 9، 16، و 23 سپتامبر 1893 ظاهر شدند. در آن زمان ، آینه کاتولیک ارگان رسمی کاردینال گیبونز و پاپ در ایالات متحده بود. بنابراین، این مقالات، اگرچه به دست خود کاردینال نوشته نشده اند، اما تحت مجوز رسمی او به چاپ رسیدند، که به منظور بیانیه سیستم پاپ در این زمینه، و چالش آشکار آن با پروتستان‌یسم است. و همچنین تقاضای سیستم پاپ مبنی بر اینکه پروتستان ها می بایست به پاپ گزارش دهند که چرا یکشنبه را نگه می دارند و همچنین آن را چگونه برگزار می کنند.

مطلب زیر (به جز پاورقی ها، یادداشت سردبیر در داخل پرانتز که از صفحه 25 شروع می شود و به صفحه 27 ختم می شود، و دو ضمیمه) باز نشر کلمه به کلمه این سرمقاله ها به همراه عنوان صفحه 2 است.

سَبِّتِ مَسِيحِي

نسل اصیل اتحاد روح القدس و کلیسای کاتولیک همسر او.

ثابت شد که ادعاهای پروتستان نسبت به هر بخشی از آن بی اساس، متناقض با خود و خودکشنده است.

(از آینه کاتولیک از 2 سپتامبر 1893).

واقعاً این مطلب از یک منبع معتبر است.

هفته گذشته توجه ما به موضوع آن جزوه بیست و یک صفحه ای که توسط انجمن بین المللی آزادی های مذهبی با عنوان «توسعه و اعتراض» منتشر شده بود، جلب شد. تجسم قطعنامه های تصویب شده توسط کنفرانس عمومی ادونتیست های روز هفتم در تاریخ (24 فوریه 1893). این قطعنامه ها با انتقاد و مخالفت های بشدت تندی مواجه شدند، و همچنین اقدام کنگره و دیوان عالی، ایالات متحده را به دلیل تجاوز به حقوق مردم با تعطیلی نمایشگاه جهانی در روز یکشنبه مورد انتقاد قرار داد.

ادونتیست ها تنها افراد مسیحی هستند که کتاب مقدس را همچون معلم خود دانسته، چرا که هرگز نمی توان هیچ حکمی را در صفحات آن یافت که اثباتی بر تغییر روز هفتم (شنبه: سَبِّت) به روز اول (یکشنبه: روز خورشید) باشد. از این رو نام ایشان را « ادونتیست های روز هفتم » نهادند. اصل و اساس کاردینال (یکی از مقامات برجسته کلیسای کاتولیک روم) این است که آنان روز شنبه را برای پرستش انحصاری خدا، مطابق با فرمان قطعی خود خداوند، که بارها در کتب مقدس چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید تکرار شده است، اختصاص می دهند. همان فرمانی که به معنای واقع کلمه توسط بنی اسرائیل برای هزاران سال تا به امروز مورد اطاعت قرار گرفته و همچنین توسط تعالیم و اعمال پسر خدا (عیسی مسیح) در حالی که بر روی زمین بود، تأیید شده است.

برعکس، تمامی پروتستان‌های جهان، (البته به غیر ازادونتیست‌ها)، با اعتقاد بر همان کتاب مقدس به عنوان معلم محبوب و یگانه معصومشان، با اعمال خود، از زمان پیدایششان در قرن شانزدهم، با رویه دیرینه قوم یهود در مقابل چشمان همگان، روزی را که خداوند برای عبادت خویش نامگذاری نموده را، انکار کردند و در تضاد ظاهری با فرمان وی، روزی را برای عبادت او برگزیدند که هرگز در هیچ یک از صفحات کتاب مقدس به آن اشاره نشده است.

صدای زنگ کدام منبر پروتستانی است که تقریباً هر یکشنبه با دشنام‌های بلند و پرشور علیه نقض روز شنبه به صدا در نمی آید؟ چه کسی می تواند آن غوغای متعصبانه خادمین پروتستانی در طول و عرض زمین بر علیه گشایش دروازه های نمایشگاه جهانی در روز یکشنبه را فراموش کند؟ هزاران دادخواست، امضا شده توسط میلیون ها نفر، برای نجات روز خداوند از هتک حرمت؟ مطمئناً چنین هیجان عمومی و گسترده و تظاهرات پر سر و صدا هرگز نمی توانست بدون قوی ترین زمینه برای این گونه اعتراضات متحرک وجود داشته باشد.

و هنگامی که در نمایشگاه جهانی، که محل هایی را برای فرقه های مختلف پروتستانیزم برای به نمایش گذاشتن مقالات اختصاص دادند، چه کسی می تواند آن بیان مؤکد خشم با فضیلت و وظیفه شناسی را که توسط برادران پروتستانی مان به محض اطلاع از تصمیم دیوان عالی کشور مبنی بر عدم مداخله در افتتاحیه روز یکشنبه که به نمایش گذاشته شد را، فراموش کند؟ بر اساس خبر روزنامه ها ما مطلع شدیم که آنان بطور قاطعانه از استفاده فضایی که برای آنها در نظر گرفته شد، یا باز کردن جعبه های شان امتناع ورزیدند، و با رعایت دقیق اصول خود، خواستار پس گرفتن مقالات شده و در نتیجه هرگونه تماس با نمایشگاه مقدس و روز شنبه را رد کردند.

بدون شک، برادران کالوینیست (معتقد به قدرت‌ها ماوراء طبیعی) ما سزاوار و همدردی با سایر فرقه‌ها بودند، که با این حال، فرصت خود را برای شهادت در دفاع از روز سَبَّت از دست دادند.

بدین ترتیب آنها تبدیل به «منظره‌ای برای جهان، فرشتگان و انسان‌ها» شدند. اگر چه دیگر برادران پروتستانی آنها که نتوانستند در این محدوده سهیم باشند، اسرار داشتند که به طرزی ناخوشایند و حسادت آمیز این پایبندی ثابت آنان را، به اصول دینی، غرور فریسی‌گونه و لجابت سرسختانه نسبت دهند.

هدف ما از کنار گذاشتن این مقاله، روشن کردن پاسخ این سؤال بسیار مهم است (زیرا اگر سؤال سَبَّت از منبر پروتستان حذف شود، فرقه‌ها احساس گمراهی می‌کنند و واعظان از این «پنیر چشایر» خود محروم می‌شوند.) تا اینکه خوانندگان ما بتوانند این سؤال را در تمام ابعاد آن درک کرده و در نتیجه به یک باور روشن دست یابند.

جهان مسیحیت، از نظر اخلاقی، در رابطه با پرسش و عمل پرستش خداوند در اولین روز هفته متحد است.

بنی اسرائیل که در سرتاسر زمین پراکنده شده‌اند، آخرین روز هفته (روز هفتم: روز سَبَّت) را برای پرستش خداوند، مقدس نگاه می‌دارند. در این خصوص، ادونتیس‌های روز هفتم (فرقه‌ای از مسیحیت که تعداد آنان اندک است) نیز همین روز را انتخاب کرده‌اند.

اسرائیلی‌ها و ادونتیس‌ها هر دو برای فرمان الهی به کتاب مقدس متوسل می‌شوند و دائماً خود را موظف به رعایت صحیح روز شنبه می‌دانند.

اسرائیلی‌ها تنها به اقتدار عهد عتیق احترام می‌گذارند، اما ادونتیسست که یک شاخهٔ مسیحیت می‌باشد، عهد جدید را به همان اندازهٔ عهد عتیق، می‌پذیرد: یعنی عهد جدید هم یک الهام ثبت شده نیز می‌باشد. او (ادونتیسست) این را متوجه است که کتاب مقدس به عنوان معلم او، در هر دو بخش عهد قدیم و جدید با یکدیگر سازگارند، که می‌گوید حتی خود نجات دهنده (عیسی مسیح) نیز، در طول زندگی فانی خود، هرگز روزی را جز شنبه (سَبَّت) را نگاه نداشت. اناجیل به وضوح این حقیقت از وی را برای ما آشکار می‌سازند. و این در حالی است که، در هیچ یک از صفحات کتب اعمال رسولان، نامه‌ها، و مکاشفه یوحنا (کتاب آخرالزمانی)، اثری از عملی که ترتیب روز شنبه را لغو کرده باشد، یافت نمی‌شود.

بنابراین، ادونتیسست‌ها، همانند اسرائیلیان، اعتقاد خود را از عهد عتیق می‌گیرند. موضعی که توسط عهد جدید تأیید شده است، و زندگی و عمل نجات‌دهنده (عیسی مسیح) و حواریونش (شاگردان عیسی) به طور کامل تعلیم کلام مقدس را برای تقریباً یک دوره از قرن عصر مسیحیت تأیید می‌کند.

اگر بخواهیم عددی حساب کنیم، ادونتیسست‌های روز هفتم بخش بسیار ناچیزی از جمعیت پروتستان‌های بر روی زمین را تشکیل می‌دهند، اما، از آنجایی که موضوع اصلی تعداد نیست، بلکه مربوط به حقیقت، واقعیت و حق است، حس عدالت محض، محکومیت این فرقه کوچک را بدون یک تحقیق آرام و بی طرفانه ممنوع می‌کند: «این مراسم تشییع جنازه ما نیست / این مسئله هیچ ربطی به ما ندارد».

جهان پروتستان، از دوران طفولیت خود، در قرن شانزدهم، در هماهنگی کامل با کلیسای کاتولیک، در «مقدس» نگه داشتن یکشنبه، بجای شنبه بوده است. این بحث در مورد دلایلی که بیش از 300 سال منجر به این یکپارچگی احساسات و عمل شده است، باید در جهت قرار گرفتن پروتستانتیسسم بر پایه ای محکم در این خصوص کمک کند، در صورتی که برهان‌هایی که به نفع موضع آن است بر استدلال‌هایی که توسط اسرائیلیان و ادونتیسست‌ها، یعنی کتاب مقدس ارائه شده به عنوان تنها معلم شناخته شده هر دو اصحاب دعوی، به عنوان

داور و شاهد ، غلبه کند. با این حال، از سوی دیگر، استدلال‌های غیرقابل انکار توده بزرگ پروتستان‌ها، هر دو طبقه از طرفین دعوی، به معلم مشترک خود، یعنی کتاب مقدس، متوسل می‌شوند، گروه بزرگ پروتستان‌ها که تا اینجا ، با همان جدیت شدیدی که برای حفظ دقیق روز یکشنبه فریاد سر می دهند، چاره‌ای جز این ندارند که اعتراف کنند، بیش از سه قرن است که با اتخاذ این احکام ، آنچه را که از نظر کتاب مقدس نادرست بوده را تعلیم داده و به کار بردند. یعنی تعلیم و عمل به آنچه که برخلاف هر حکم و آموزه کتاب مقدس بود، و همیشه وانمود کرده اند که به کلیسای مرتد اعتقاد دارند. برای افزودن بر شدت این خطای نابخشودنی بر علیه کتاب مقدس، یکی از مثبت ترین و مؤکدترین دستورات خداوند به خادمش، انسان این است که : «روز سبّت را به خاطر داشته باشید و آن را مقدس نگاه دارید.»

در زمان حال امروز هیچ عضو پروتستانی زندگی نمی‌کند، که تا کنون از این فرمان اطاعت نکرده باشد و ترجیح دهد که از کلیسای مرتد مذکور پیروی کند تا اینکه از معلمش، یعنی کتاب مقدسی که از پیدایش تا مکاشفه، هیچ آموزه دیگری را تعلیم نمی‌دهد، پس اسرائیلیان و ادونتیست‌های روز هفتم باید این کار را بدرستی انجام دهند. هر دو طرف به کتاب مقدس به عنوان معلم «خطا ناپذیر» خود متوسل هستند. به کتاب مقدس اجازه می دهند تا تصمیم گیرنده او باشد، که آیا شنبه یا یکشنبه روزی باشد که خداوند به بدان امر نموده است. یکی از این دو طرف باید اشتباه کرده باشند، و در حالی که موضع نادرست در مورد این مسئله بسیار مهم مستلزم مجازات های وحشتناکی است که توسط خود خداوند بدان هشدار داده شده است، ما می بایست در برابر فرد متخلف نسبت به این «عهد همیشگی»، به شایستگی وارد بحث شویم و استدلال های هر دو طرف را بشنویم. که البته نه بحث کردن درباره این موضوع مهم بالاتر از ظرفیت ذهن های عادی است و نه مستلزم مطالعه فوق العاده. این موضوع خود را به چند سوال ساده حل می کند که قابل حل است:

1. کتاب مقدس نگه داشتن کدام روز از هفته را به عنوان روز مقدس امر می کند؟

2. آیا عهد جدید با حکم یا عمل به فرمان اصلی تغییر داده شده است؟

3. آیا پروتستان ها، از قرن شانزدهم، با «مقدس» نگاه داشتن روزی که توسط معلم هدایتگر و معصوم خود، یعنی کتاب مقدس، سفارش کرده است، از فرمان خدا اطاعت کرده اند؟ و اگر نه، چرا؟

با پاسخ به سه سؤال بالا، ما متعهد می شویم که به همان اندازه پاسخ های هوشمندانه ای ارائه دهیم، که نه می تواند حقیقت را اثبات کند و نه ناهنجاری خطا را تأیید کند.

(از آینه کاتولیک به تاریخ 9 سپتامبر 1893)

«اما ایمان، ایمان متعصب، زمانی که به سرعت با برخی دروغ های محبوب ادغام گشت، آن را تا آخرین لحظه در آغوش گرفت» (مور)

مطابق با وعده ای که در آخرین مطلب داشتیم، یکی از فاحش ترین اشتباهات و نابخشودنی ترین ناسازگاری های قانون ایمان کتاب مقدس را آشکار می سازیم. با این حال، برای اینکه دچار سوء تفاهم نشویم، لازم می دانیم که پروتستانیسم هیچ قاعده ایمانی و معلمی را به جز «انجیل عاری از خطا» به رسمیت نشناسد. همانطور که کاتولیک قضاوت خود را در مورد مسائل معنوی به طور ضمنی و با اطمینان بی قید و شرط به صدای کلیسای خود می دهد، عضو پروتستان نیز هیچ معلمی را جز کتاب مقدس برای خود نمی شناسد، و تمام معنویت او برگرفته از آموزه های آن است. برای وی، این صدای خداست که او را از طریق تنها معلم الهام گرفته اش آگاه می سازد. این مظهر دین، ایمان و عمل اوست. به زبان چیلینگورث، «تنها کتاب مقدس، کل کتاب مقدس، و چیزی بجز کتاب مقدس، مذهب پروتستان ها را تشکیل نمی دهد»، تنها یک شکل از همان ایده است که به شکل های مختلف قابل تبدیل به اشکال دیگر، مانند «کتاب خدا» است. «منشور نجات ما»، «موضوع ایمان مسیحی ما»، «کتاب درسی خدا برای نژاد بشر» و غیره. بنابراین، این یک واقعیت غیرقابل انکار است که کتاب مقدس به تنهایی معلم مسیحیت پروتستانی است.

با تشخیص آنچه غیرقابل انکار است، یعنی واقعیت تضاد مستقیم بین آموزش و عمل مسیحیت پروتستانی -- به استثنای ادونتیست‌های روز هفتم - از یک سو، و قوم یهود از سوی دیگر، که هر دو روزهای مختلف هفته را برای عبادت خدا می‌گذرانند، اما ما نیز به شهادت تنها شاهد موجود در صحنه: یعنی شهادت معلم مشترک برای هر دو مدعی، «کتاب مقدس» متوسل می‌شویم. اولین عبارتی که ما در کلام مقدس با آن در ارتباطیم در «پیدایش باب 2 آیه 2» یافت می‌شود: «و خدا در روز هفتم، کار خویش را به پایان رسانید؛ پس او در هفتمین روز، از همه کار خویش بیاسود.» اشاره بعدی به این موضوع را می‌توان در «خروج باب 20 آیه 8» یافت، جایی که خدا فرمان داد تا روز هفتم را نگاه دارید، زیرا او در آن روز از کار آفرینش خویش بیاسود: و متن کلام مقدس به ما اطلاع می‌دهد که به همین دلیل وی از ما خواست که آن را نگاه داریم، مطابق با «پیدایش باب 2 آیه 3»: «و خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را مقدس شمرد.» دوباره در «باب 31 آیه 15» می‌خوانیم: «شش روز کار می‌باید کرد، اما روز هفتم سبّات فراغت است و مقدس برای خداوند.» «آیه 16»: «این عهد جاودان است.» «و نشانه ای جاودانه»، «زیرا خداوند آسمان و زمین را در شش روز آفرید و در روز هفتم از همه کار خویش بیاسود.»

در عهد عتیق، 126 بار به روز سبّات اشاره شده است، و همه این متون به طور هماهنگ در بیان اراده خداوند که فرمان می‌دهد روز هفتم نگاه داشته شود، زیرا این خود خدا بود که ابتدا آن را نگاه داشت، و نگه داشتن این روز را واجب نمود. تا به عنوان یک «عهد همیشگی» میان او و ما باقی بماند. ما نمی‌توانیم کسی را که هویت روز شنبه، سبّات یا روز هفتم را زیر سوال می‌برد را احق تصور کنیم، چرا که قوم بنی اسرائیل از همان بدو عطای ده فرمان «A.M 2514 تا 1893 پس از مرگ عیسی» یعنی «یک دوره 3383 ساله»، روز شنبه (سبّات) را نگه می‌داشتند. با مثالی که امروز بنی اسرائیل در برابر دیدگان ما قرار دارد، هیچ واقعیت تاریخی بهتر از آنچه به آن اشاره شد ثابت نشده است: یعنی قوم برگزیده خدا، آن نگهبانان عهد عتیق، نمایندگان زنده تنها مذهب الهی تا آن زمان، برای یک دوره 1490 ساله پیش از مسیحیت، سنت زنده تعبیر صحیح را با عادت هفتگی یعنی نگاه داشتن روز ویژه هفته، شنبه، نگه داشتند «مقدس برای خداوند»، که آنها این سنت را با عمل خود تا یک دوره اضافی که از 1893 سال بیشتر به طول انجامید، در نتیجه گستره کامل دوره مسیحیت را پوشش دادند. لازم می‌دانیم به دلایلی که بعداً به طور کامل ظاهر می‌شود، در این مورد کاملاً روشن باشیم. کتاب مقدس - عهد عتیق - که توسط سنت زنده عادت هفتگی به مدت 3383 سال توسط قوم منتخب خدا مورد تأیید قرار گرفته است، سپس

با اطمینان کامل می آموزد که خداوند خود را به نام روز «مقدس نگه داشته شده برای او» نامگذاری کرده است. « - اینکه آن روز شنبه است و مجازات هر گونه تخلف نسبت به آن فرمان، مرگ است.» شَبَّات را نگاه دارید، زیرا که برای شما مقدس است. هر که آن را حرمت نهد، البته کشته شود؛ هر که در آن روز کار کند از میان قوم خود منقطع شود.» «خروج باب 31 آیه 14»

هرگز نمی‌توان مجازاتی سخت‌تر از آنچه که خود خداوند بطور جدی در متن فوق بیان نمود، را برای کسانی که آن فرمان عهد عتیق را که 126 بار ذکر شده است، نقض کنند را یافت. آن ده فرمان عهد عتیق در اسرع وقت به طور رسمی در حافظهٔ فرزند مسیحی کتاب مقدس نقش بست. اما هیچ یک از فرامین ده فرمان که، چه در مکتب روز یکشنبه و چه بالای منبر بر آن تاکید شده است، به اندازهٔ «مقدس» نگه داشتن روز سَبَّت برای ما آشنا نیست.

با اطمینان کامل از اراده خداوند در مورد روز مقدس، که در کلام مقدس اوست، چرا که وی در آن روز از تمامی کار خود بیاسود، روزی که با بجای آوردن قوم برگزیده او برای هزاران سال برایمان مورد تأیید واقع شده است، طبیعتاً این حق ماست که از آنان بپرسیم خداوند کی و کجا روز عبادت خود را تغییر داده است.

زیرا برای جهانیان اینگونه آشکار گشته است که آن تغییر روز رخ داده است، و از آنجایی که هیچ نشانه‌ای از چنین تغییری را نمی‌توان در صفحات عهد عتیق یافت، و همچنین در رویه قوم یهود که نزدیک به نوزده قرن ادامه دارد. در مورد مسیحیت که از دستور مکتوب پیروی می‌کند، ما باید به نمایندهٔ نظام مسیحیت بنگریم: یعنی، عهد جدید، برای یافتن فرمان خداوند مبنی بر لغو روز سَبَّت «شنبه» عهد عتیق.

اکنون ما در حال نزدیک شدن به دوره‌ای هستیم که نوزده قرن را در بر می‌گیرد و به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا معلم تکمیلی الهی - عهد جدید - حاوی حکمی است که فرمان عهد عتیق را لغو می‌کند و در عین حال، روزی را جایگزین سَبَّت عهد عتیق که از نظر الهی وضع شده است، می‌کند؟ «یعنی شنبه؛ زیرا، از آنجایی که شنبه، روزی بود که خداوند آن را نگه داشته و فرمان داده بود». مقام الهی «خداوند» به تنهایی، در قالب لغو یک حکم، این اقتدار را داشت که عهد روز شنبه را لغو کرده، و بجای آن فرمان الهی، روز دیگری به غیر از شنبه را به عنوان روز «مقدس» تعیین نماید، که این خود به همان اندازه برای ارضای وجدان مؤمن مسیحی ضروری است. کتاب مقدس تنها معلمی است که مسیحیان معتقد به کتاب مقدس آن را به رسمیت می‌شناسند، عهد عتیق در اشاره به تغییر روز مقدس ناکام ماند و حال آن روز دیگری که به جز شنبه عالم کتاب مقدس «مقدس» نگه داشته می‌شود، مسلماً بر مسیحیان اصلاح‌شده این امر واجب است که در صفحات عهد جدید به «حکم جدید الهی که حکم روز شنبه را لغو کرده و روز یکشنبه را جایگزین آن می‌کند»، یعنی حکمی که توسط کتاب مقدس از سپیده‌دم اصلاحات نگه داشته شده است، اشاره کنند.

به جهت بررسی انتقادی عهد جدید از جلدی به جلد دیگر، این را درمیابیم که 61 بار به مسئله سَبَّت اشاره شده است. همچنین متوجه می‌شویم که شخص نجات دهنده، همواره روز سَبَّت «شنبه» را برای تدریس در کنیسه‌ها و انجام معجزه برمی‌گزید. که البته چهار اناجیل خود 51 بار به مسئله سَبَّت «شنبه» اشاره دارند.

به عنوان مثال، نجات دهنده از خود به عنوان «خداوند/صاحب سبت» یاد می‌کند، همانطور که متی و لوقا در کتب خود ذکر کرده اند، اما خود وی نیز در طول کل پرونده زندگی زمینی خود، در حالی که همیشه روز سَبَّت «شنبه» را نگه میداشت و بجا می‌آورد. او حتی یک بار هم به میل خود به تغییر این روز اشاره ننمود. رسولان/شاگردان و دوستان نزدیک او نمونه‌ای بارز از رعایت دقیق این روز را حتی پس از مرگ وی به ما می‌دهند، و در حالی که جسد وی هنوز در مقبره بود، «لوقا باب 23 آیه 56» به ما اطلاع می‌دهد: «سپس به خانه بازگشته، خنوط و عطریات آماده کردند و در روز شَبَّت/سَبَّت طبق حکم شریعت/ده فرمان، آرام گرفتند.» «اما در روز اول هفته، صبح خیلی زود، آمدند و ادویه‌هایی را که عصر جمعه به خوبی آماده کرده بودند را آوردند، زیرا روز سبت نزدیک شده بود.» «آیه 54» این اقدام

از جانب دوستان نزدیک نجات دهنده بدون هیچ تناقضی ثابت می کند که حتی پس از مرگ وی، آنان شنبه را «مقدس» نگه داشته و یکشنبه را به عنوان هر روزی دیگر از هفته می دانستند. بنابراین، آیا مسئله ای قطعی تر از این موضوع وجود دارد که رسولان و زنان مقدس تا روز مرگ مسیح هرگز سَبَّتی را جز شنبه نمی شناختند؟

و حالا به سراغ بررسی این سؤال جالب در مورد سی سال آینده می رویم، همانطور که لوقای مبشر در کتاب اعمال رسولان خود نقل نموده است. یقیناً می توان بقایایی از عمل لغو را در عمل رسولان آن دوره طولانی کشف نمود.

اما افسوس! ما بار دیگر محکوم به ناامیدی شدیم. ما در اعمال رسولان در میابیم که نه بار به سَبَّت اشاره شده است، اما آن روز شنبه یعنی همان (سَبَّت عهد عتیق) است. اگر خوانندگان کتاب خواهان دلیل باشند، ما قادریم تا در هر یک از موارد آنان را به سمت باب و آیه ای در این باره ارجاع دهیم. «اعمال رسولان باب 13 آیات 14، 27، 42، 44. و بار دیگر در «اعمال رسولان باب 15 آیه 21؛ و دوباره در «اعمال رسولان باب 16 آیه 13؛ باب 17 آیه 2؛ باب 18 آیه 4. و او (پولس) هر سَبَّت در کنیسه با دلیل و منطق یهودیان و یونانیان را متقاعد می نمود. بنابراین روز سَبَّت (شنبه) از زمان پیدایش تا مکاشفه پابرجا بوده است!!! پس بنابراین، ما هرگز نمی توانیم حتی کوچکترین دخالتی از سوی منجی یا حواریونش نسبت به سَبَّت اصلی را در عهد جدید بیابیم، بلکه برعکس، می توانیم رضایت کامل از ترتیب اولیه آن، نه تائید کامل وی در زمان حیات و مشارکت فعال و بی تغییر در برگزاری آن روز و نه هیچ روز دیگری توسط رسولان تا سی سال پس از مرگ وی، درست همانطور که اعمال رسولان به وفور به ما شهادت داده است، را بیابیم.

بنابراین نتیجه گیری اجتناب ناپذیر است: یعنی در میان کسانی که از کتاب مقدس به عنوان راهنمای خود پیروی می کنند، اسرائیلی ها و ادونتیست های روز هفتم، وزن انحصاری شواهد را در کنار خود دارند، و این در حالی است که دیگر پروتستانهای معتقد به کتاب

مقدس حتی یک کلمه برای دفاع از خود در رابطه با جایگزینی روز یکشنبه به جای شنبه را ندارد. و حتی فراتر از آن.

[از آینه کاتولیک 16 سپتامبر 1893.]

زمانی که اقتدار شیطانی او که «از آغاز قاتل بود». «و پدر نیرنگ ها» با برانگیختن حس جاه طلبی در مادر اول ما، یعنی حوا، چشمان وی را گشود، «همچون خدا شناسنده نیک و بد خواهید بود» که این اقدام وی، اولین اقدام برعلیه بسیاری از تلاش‌های معقول و موفقیت‌آمیز خداوند بود. که بعدها به فریب میلیون ها فرزند حوا انجامید، و آنان هم مثل حوا بسیار دیر یاد می گیرند. افسوس! بر ارزش انگیزه هایی که برای جذب فرزندان ضعیف حوا از وفاداری به خدا وجود داشت. که بحث در مورد این موضوع استثنایی از تاکتیک های معمول وی خارج از این اقتدار سیاهی نیست.

پس از گذشت بیش از سه قرن از آن زمان، او به طور قابل قبولی برای تعداد بسیاری از مسیحیان ناراضی و جاه طلب، چشم اندازی روشن از گشایش موفقیت آمیز یک «انحراف جدید» را با رها کردن کلیسایی که توسط پسر خدا به عنوان معلم ایشان تأسیس نموده بود، و همچنین در نظر گرفتن کتاب مقدس به عنوان وحی جدیدشان، نشان داد.

دانایی آن شریر، موفقیت درخشان این مانور را پیش بینی می کرد. که نتیجه آن کمتر از حد انتظارات او نبود.

تنها یک روح جسور و ماجراجو برای رهبری این سفر مورد نیاز بود. وی خیلی زود توانست اقتدار شیطانی موجود در آن راهب مرتد، یعنی لوتر را کشف نماید، که خود بارها به آشنایی نزدیک بین او و استادش، در «بحث یک میزگرد» و دیگر آثارش که در سال

1558 در ویتنبرگ تحت بازرسی ملانکتون منتشر شد، شهادت داد. و حتی مکالمات وی با شیطان در مناسبت های مختلف توسط خود شخص لوثر شهادت داده شده است - شاهی که خود ارزش تمام اعتبار را یکجا دارد. در نتیجه آن نیتی که مار در باغ عدن بدان تمایل داشت، ماموریت لوثر در جهان مسیحیت آن را به دست آورد.

« اگر به ناوگان سرگردان آنان یک راننده/هدایت گر بدهید، که در حرفه فریبنده خود جسور و آموزش دیده باشد: دست ماجراجویش سکانشان را به سواحل متخاصم هدایت کرده و در جزر و مد بر آنها چیره می شود.»

در پایان سرانجامی را که خود کلیسا در حمله شریر به کلیسای مسیح پیشنهاد کرد، عامل نابودی مسیحیت بود، و اکنون ما مشغول غربال کردن آن مسائلی هستیم که او اتخاذ کرده است، تا بتوانیم موفقیت خود را در آن تضمین نماییم. بر اساس آنچه که تاکنون مشخص شده است، آنها تنها مسائل گمراه کننده و متناقض با خود و مغالطه آمیز هستند. و حال قصد داریم تا به بررسی بیشتر این نیرنگ بپردازیم.

پس از اثبات این امر که نجات دهنده، در طول عمر خود، به هیچ وجه از رعایت وفادارانه روز سَبَّت «شنبه»، که در طی چهار دوره بشارتی، 51 بار به آن اشاره شده، منحرف نشده است، اگرچه او خود را «خداوند/صاحب روز سَبَّت» معرفی نمود، اما هرگز با فرمان یا عملی به میل خود مبنی بر جایگزینی این روز با روزی دیگر اقدام ننمود و همچنین توجه ویژه ای به رفتار رسولان و زنان مقدس، که در همان عصر هنگام «جمعه» مرگ وی، از قبل ادویه ها و حنوطی را برای تدهین بدن وی در صبح «یکشنبه» یعنی روز بعد از سَبَّت «شنبه» تهیه نمودند، همانطور که لوقا قدیس به وضوح به ما اطلاع می دهد «لوقا باب 24 آیه 1». بدین ترتیب، فراتر از حد احتمال، عمل و اراده خود فرزند خدا در طول حیات خود بر روی زمین، نگه داشتن روز سَبَّت را استوار میدارد. و با توجه به عمل نمایندگان زنده وی پس از مرگ او، همانطور که لوقای قدیس اثبات نمود، همچنین این واقعیت غیرقابل انکار را در حضور خوانندگان خود قرار داد که رسولان حتی طی سی سال پس از «اعمال رسولان» هرگز از عمل الهی خود منحرف نشدند. وی همچنین در این خصوص، همانطور

که لوقا در «اعمال رسولان باب 18 آیه 1» به ما اطمینان می دهد: « و او [پولس] هر سَبَّت (شنبه) در کنیسه ها دلیل و منطق و یهودیان و یونانیان را متقاعد می نمود.» همان طور که در این متن می بینیم، افراد یهودی و غیریهودی همگی به طور مساوی آموختند که روز شنبه را که در آن به مسیحیت گرویده بودند، «چه یهودیان و چه یونانیان» به طور جمعی نگه دارند.

همچنین با توجه به متون «اعمال رسولان» مربوط به استفاده انحصاری از سَبَّت توسط یهودیان و مسیحیان به مدت سی سال پس از مرگ منجی به عنوان تنها روزی از هفته که توسط مسیح و رسولانش قابل مشاهده بوده، که این دوره زمانی را به پایان می رساند. بر اساس سوابق الهام شده، ما اکنون به تکمیل مدارک خود مبنی بر اینکه سَبَّت (شنبه) از این امتیاز انحصاری برخوردار بود، با توجه به هر موردی که در آن کارنامه مقدس به اولین روز هفته اشاره دارد، ادامه می دهیم.

اولین اشاره به روز یکشنبه را می توان پس از قیام مسیح از مرگ در «انجیل لوقا باب 24 آیات 33-34 و انجیل یوحنا باب 20 آیه 19» یافت.

خود متون فوق به تنهایی به انگیزه این اجتماع از سوی رسولان اشاره دارد، که این مهم در روز قیام «یکشنبه عید پاک» انجام شد، و این اصلاً به این منظور نبود که از روز سَبَّت «شنبه» عهد عتیق منحرف گشته و «روز جدیدی» را به عنوان روز «مقدس» نگاه دارند، زیرا هیچ اشاره ای از دعا یا پند یا مطالعه کتاب مقدس در این باره وجود ندارد، اما بیانگر تضعیف روحیه رسولان با اطلاع به بشریت است که آنها «از ترس یهودیان» در آن اتاق بالا خانه در اورشلیم دور هم گرد آمدند، همانطور که قسمت فوق یوحنا ی رسول ، نقل نموده ، به وضوح به ما اطلاع می دهد.

دومین بار که به روز یکشنبه اشاره شد، در «یوحنا باب 20 آیات 26-29» بود که می گوید: «پس از هشت روز، شاگردان عیسی باز در خانه بودند و توما با آنها بود» نجات دهنده قیام کرده از این گردهم آمدن رسولان استفاده کرد تا ناباوری توماس را که عصر روز یکشنبه عید پاک از آن گردهمایی غایب بود، مخدوش نماید. که این خود می توانست برای نجات دهنده فرصتی طلایی باشد تا در حضور همه رسولانش روز مقدس را تغییر دهد، اما ما قادریم که واقعیت این امر را به سادگی بیان نماییم که در چنین مناسبتی، مانند روز عید پاک «یکشنبه»، هیچ کلامی از دعا، ستایش یا خواندن کتاب مقدس به میان نیامد.

سومین بار که این روز مکتوب شده است، به گرد هم آمدن رسولان در روز یکشنبه می باشد، که می توان آن را در «اعمال رسولان باب 2 آیه 1» یافت. «چون روز پنتیکاست فرا رسید، همه یکدل در یک جا جمع بودند». «عید پنتیکاستی، که واقع در روز یکشنبه است» حال، آیا این متن به برادران مسیحی معتقد به کتاب مقدس ما این امید را می دهد که یکشنبه، در نهایت، جایگزین روز شنبه خواهد شد؟ زیرا هنگامی که به آنها اطلاع می دهیم که یهودیان 1500 سال است که این یکشنبه را برگزار می کردند و هجده قرن پس از استقرار مسیحیت آن را همچنان برگزار می کردند و در عین حال سبب هفتگی را نیز نگه می داشتند، هیچ تسلی و یا آسودگی در این متن یافت نمی شود. **پنتیکاست پنجاهمین** روز پس از **عید پسخ** است که به آن **سبب هفته ها** نیز می گفتند که معادل **هفت هفته هفت روزه** می شد، و روز پس از اتمام هفتمین روز **سبب هفتگی**، یعنی روز اصلی کل آن عید، همان روز یکشنبه بود. کدام اسرائیلی است که به دلیل اینکه در عید پنتیکاست خود به دنبال کشف منشأ برگزاری اولین روز هفته بوده است، یعنی روزی که بیش از 3000 سال، سالانه توسط وی برگزار می شده است، افسوس نخورد؟ چه کسی جز فرد مسیحی معتقد به کتاب مقدس که به بهانه توجیه هتک حرمت بی رحمانه اش نسبت به روز سبب که همیشه توسط مسیح و شاگردانش نگه داشته می شد به حصار رانده شود، که برای اقدام خود در عصیان خود علیه خدای خود و معلمش یعنی کتاب مقدس به عید پنتیکاست یهودی متوسل شد.

بار دیگر، نویسندگان مدافع کتاب مقدس در رابطه با تغییر روز مقدس، توجه ما را به کتاب «اعمال رسولان باب 20 آیات 6 - 7» جلب می کنند. «در نخستین روز هفته، برای پاره کردن نان گرد هم آمدیم...». اینطور که به نظر می رسد، متن بالا باید به دوستان مخالف کتاب مقدس ما تسلی دهد، اما ما با مداخله کردن، نمی توانیم حتی ذره ای به آنان اجازه راحتی دهیم. در حقیقت ما با اصل موضوع پاسخ می دهیم: «Quod probat nimis, probat nihil» -- به این معنا که «هر چیزی که بیش از حد صرف اثبات آن شود، هیچ چیز را به اثبات نخواهد رسانید». پس بیایید تا توجه خود را به همین موضوع در «اعمال رسولان باب 2 آیه 46» جلب نماییم، «ایشان هر روز، یکدل در معبد گرد می آمدند و در خانه های خود نیز نان را پاره می کردند...». کیست که در یک نگاه متوجه نشود که در اصل این متن منحصرأ برای اثبات حق روز یکشنبه نوشته شده، و هنگامی که در کنار آیه 46 همین باب قرار می گیرد انگار که در هوایی رقیق محو می شود؟ آنچه را که مسیحیان معتقد به کتاب مقدس توسط همین متن تنها برای روز یکشنبه ادعا می کنند، همان اقتداری است که برای هر روز دیگر هفته یکسان بوده و لوقای رسول ما را از آن مطلع می سازد. «ایشان هر روز، یکدل در معبد گرد می آمدند و در خانه های خود نیز نان را پاره می کردند».

همچنین در متنی دیگر از کتاب مقدس چنین نشان می دهد، که ظاهراً تمایل به جابجایی روز شنبه به یکشنبه را دارد. که از پولس رسول برگرفته شده است «اول قرنثیان باب 16 آیات 1-2» «و اما در خصوص جمع آوری هدایا برای مقدسین: ... روز اول هر هفته، هر یک از شما به فراخور درآمد خود پولی کنار گذاشته، پس انداز کند...» با فرض اینکه درخواست پولس رسول به شدت مورد توجه قرار می گرفت، حال بیایید مطابق با آنچه که کتاب اعمال رسولان ما را از آن مطلع نمود، توجه مان را به آنچه که هر شنبه در طول حیات منجی انجام می شد و حتی تا سی سال پس از وی نیز همچنان ادامه داشت، جلب نماییم.

پیروان استاد «هر سبت» برای شنیدن کلام خداوند یکدیگر را ملاقات می کردند. در نتیجه در «هر روز سبت» کلام خوانده می شد. «پولس هر سبت در کنیسه با یهودیان و یونانیان مباحثه می کرد و می کوشید آنان را مجاب سازد...» «اعمال رسولان باب 18 آیه 4» چه

نتیجه‌ای پوچ‌تر از این، که استتباط کنیم، خواندن کلام، دعا، پند و موعظه، که همگی وظایف معمول هر روز شنبه را تشکیل می‌دهند، همانطور که به فراوانی به اثبات رسیده است، به خواست و اراده خود روز دیگری از هفته را بدور هم گرد آیند؟

برای درک کامل ارزش این متن که اکنون در حال بررسی است، تنها لازم است عمل رسولان و زنان مقدس را در آن روز جمعه پیش از غروب خورشید را به یادآوریم. آنان پس از پایین آوردن مسیح از روی صلیب، رفته تا ادویه‌ها و حنوط تهیه نمایند. آنان تمامی کارهای خویش را تا پایان روز سَبَّت «که برای خداوند مقدس است» به حالت تعلیق درآورده و سپس صبح روز یکشنبه برای تکمیل روند تدهین جسم مقدس عیسی به راه افتادند.

شاید بیرسیم چرا کار تدهین کردن را در روز شنبه انجام ندادند؟-- زیرا آنان به خوبی این را می‌دانستند که تدهین کردن جسم مقدس استادشان مانع از رعایت دقیق روز سَبَّت می‌شود، پس بنابراین رعایت آن روز امری مهم‌تر بود. و برای اینکه بتوان نشان داد که روز سَبَّت پیش از روز یکشنبه متن مان اصلاً نگه داشته نشد «که البته این امریست نادرست، زیرا هر روز سَبَّت نگه داشته می‌شد»، بنابراین درخواست پولس رسول برای به گردهم آمدن در روز یکشنبه همچنان باقی است. تا آن روز با کار تدهین بدن مسیح طبقه بندی شود، زیرا این امر نمی‌توانست در روز سَبَّت انجام شود و در نتیجه به روزی مناسب که روز بعد آن است موکول شد: یعنی یکشنبه یا اولین روز هفته.

در ارتباط با هر متنی از عهد جدید که به سَبَّت «شنبه» و اولین روز هفته «یکشنبه» در اشاره دارد. و با قاطعیت از این متون دریافتیم که تا کنون حتی نمی‌توان سبایه‌ای از این بهانه که روز یکشنبه جایگزین روز شنبه شده است را در صفحات کتاب مقدس بیابیم.

تنها چیزی که برای ما باقی می ماند، این است که معنای عبارات «روز متعلق به خداوند» و یا «روز خداوند» که در عهد جدید یافت می شود، را مورد بررسی قرار دهیم، که ما آن را در مقاله بعدی مان پیشنهاد داده و با اظهاراتی درست در مورد ناسازگاری های یک نظام دینی که اثبات نمودیم که «غیرقابل دفاع، متناقض با خود و خودکشنده» است، آن را پایان می دهیم.

[از آینه کاتولیک 23 سپتامبر 1893.]

«ایستادن روی عصاهایی با اندازه نابرابر.

یک پا با حقیقت حمایت شده، یکی با دروغ،

بنابراین با سرعتی ناخوشایند به سمت هدف کنار می رویم،

از چیزی جز باختن در مسابقه مطمئن نیستید.»

در این مقاله، پیشنهاد ما این است که دسته ای از برهان جدید (و آخرین برهان) را که برای متقاعد کردن مسیحیان کتاب مقدس فرض شده اند در رابطه با اینکه خداوند در شریعتی نو، بجای شنبه، یکشنبه را به عنوان روز عبادت خویش جایگزین نموده است، و اینکه اراده الهی می بایست توسط روح القدس در نوشته های رسولان ثبت شود، را به دقت مورد بررسی قرار دهیم.

ما مطلع گشتیم که این تغییر اساسی به شکل یک عبارت در آمده، که بارها و بارها در مجموعه ای از متون با عبارتی همچون «روز متعلق به خداوند» یا «روز خداوند» در آنها یافت می شود.

از لحاظ دسته بندی متون در عهد جدید، واژه ای به عنوان «سَبَّت» در کتب اناجیل، اعمال رسولان، و نامه ها، «61 شصت و یک بار» بکار برده شده است. و در دسته بندی دوم،

که در آن «روز اول هفته» یا یکشنبه، به طور انتقادی مورد بررسی قرار گرفته است «تعداد اعداد این دسته اخیر به عدد نه [هشت] می رسد».

بنابراین از آنجایی که مشخص شد، حتی یک سرخ کوچک هم در مورد تغییر اراده خداوند نسبت به روز پرستش خویش توسط انسان وجود ندارد،

اکنون به بررسی سومین و آخرین دسته از متون ، که برای نجات نظام کتاب مقدس از انحراف به سمت حکمی که این جهان به نام خداوند در پی اثبات آن بوده، که حتی کوچکترین گواه یا اقتداری از طرف معلم آنان، یعنی کتاب مقدس بر آن وجود ندارد، خواهیم پرداخت.

اولین متن این دسته را می توان در «اعمال رسولان باب 2 آیه 20» یافت: «پیش از فرا رسیدن روز عظیم و پرشکوه خداوند، خورشید به تاریکی و ماه به خون بدل خواهد شد.» از زمان بیان آن نبوت تا به اکنون چند روز یکشنبه گذشته است؟ تلاش های بسیار فراوانی برای انحراف معنای متن مقدس از روز داوری به یکشنبه صورت گرفته است!

متن دوم این دسته را می توان در «اول قرنیتیان باب 1 آیه 8» یافت. « او شما را تا به آخر استوار نگاه خواهد داشت، تا در روز خداوندمان عیسی مسیح بری از ملامت باشید.» ، کدام ساده لوح نمی بیند که رسول در اینجا آشکارا به روز داوری اشاره می کند؟

متن بعدی این دسته که خودش را ارائه می دهد در همان نامه «اول قرنیتیان باب 5 آیه 5» یافت می شود. « این مرد را به شیطان بسپارید تا با نابودی نَفَس گناهکار، روح در روز خداوند عیسی نجات یابد. »، که البته محرمیت قرنیتیان بود، در یکشنبه پس از آن نجات یافت!! براستی که این دلیل ساختگی چقدر رقت انگیز است!

متن چهارم را می توان در «دوم قرنیتیان باب 1 آیات 13-14» یافت; « زیرا آنچه به شما می نویسیم درست همان است که می خوانید و می فهمید. و من امید دارم همان گونه که ما را تا

حدی شناخته‌اید، به کمال نیز بشناسید، و بدانید که می‌توانید به ما فخر کنید، چنانکه شما نیز در روز خداوند عیسی، مایه فخر ما خواهید بود.»

کدام یک درست است، یکشنبه یا روز دآوری؟ متن پنجم از طرف پولس رسول به فیلیپیان است که می‌توان آن را در «فیلیپیان باب 1 آیه 6» یافت: «یقین دارم آن که کاری نیکو در شما آغاز کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید.» که در چنین شرایط، مردمان خوب فیلیپی، برای به کمال رسیدن در روز یکشنبه بعد، می‌توانند به این جابجایی سریع امروزی ما بخندند!

ما اصرار داریم تا از ارائه ششمین کلاس خود بگذریم. یعنی «فیلیپیان باب 1 آیه 10» تا بتوانید بهترین را تشخیص دهید و در روز مسیح، پاک و بی‌عیب و آکنده از ثمرات پارسایی باشید» آن روز یکشنبه آینده بود، که بی‌شک! پس از این همه، انتظار چندان طولانی نیست.

متن هفتم را می‌توان در «دوم پطرس باب 3 آیه 10» یافت: «اما روز خداوند چون دزد خواهد آمد...» به کار بردن این امر برای روز یکشنبه همچون گذشتن از مرزهای پوچی است.

متن هشتم را می‌توان در «دوم پطرس باب 3 آیه 12» یافت: «انتظار روز خدا را بکشید و مشتاق فرا رسیدن آن باشید». آن روز سبب خواهد شد که آسمانها به آتش کشیده شده، فرو پاشند و اجرام سماوی از گرما ذوب گردند... این روز خداوند همان روزی است که در متن قبلی به آن اشاره شد، که کاربرد هر دوی آنها برای یکشنبه آینده، جهان مسیحیت را تا فرا رسیدن شبه شب آینده بی‌خواب نگاه می‌دارد.

تا به اکنون ما 8 متن از 9 متنی را که برای تقویت تلاش توسط متن مذبحخانه برای پایان دادن به «روز خداوند» برای یکشنبه توسط، که توسط متن کتاب مقدس بدان تکیه شده است، را به خوانندگان خود ارائه کرده‌ایم، اما با چه نتیجه‌ای؟ هر کدام از آنان به نوبه خود شواهدی از آخرین روز را به ما ارائه می‌دهند که مستقیماً، مطلقاً و بی چون و چرا به آن اشاره می‌کند.

نهمین متنی که در آن عبارت «روز خداوند» مربوطه به چشم می‌خورد، آخرین متنی است که در نوشته‌های رسولان نیز یافت می‌شود. در کتاب آخرالزمانی، یا مکاشفه، «باب 1 آیه 10»، که به زبان یوحنا رسول بیان می‌شود چنین می‌گوید که: «در روز خداوند، در روح شدم» اما این امر برای دوستان معتقد به کتاب مقدس ما، آرامشی بیش از اجداد خود در همان مجموعه را در بر نخواهد داشت. آیا یوحنا رسول از این عبارت در انجیل یا نامه‌های خود نیز استفاده نموده است؟ -- با قاطعیت خیر.

آیا او تا به حال فرصتی برای مراجعه به روز یکشنبه داشته است؟ - بله، دو بار.

وی چگونه یکشنبه را در این مناسبت‌ها تعیین نمود؟ عید پاک روز یکشنبه توسط وی نامگذاری شد «یوحنا باب 20 آیه 1» «در نخستین روز هفته».

باز هم «یوحنا باب 20 آیه 19»: «شامگاه همان روز، که نخستین روز هفته بود.» ظاهراً، اگرچه او هم در انجیل و هم در نامه‌های خود الهام گرفته بود، اما یکشنبه را به عنوان «اولین روز هفته» نامید. پس به چه دلیلی می‌توان فرض کرد که او از این نامگذاری صرف نظر کرده است؟ آیا او هنگام نوشتن کتاب مکاشفه از الهام بیشتری برخوردار بود یا عنوان جدیدی را برای یکشنبه انتخاب کرد چرا که اکنون مرسوم شده بود؟

پاسخ به این سؤالات به ویژه در مورد دومی بیش از حد نیاز خواهد بود، زیرا همان تعبیر را قبلاً هشت بار توسط لوقا، سنت پل و سنت پیتر به کار برده اند، با توجه به اینکه همین

عبارت قبلاً هشت بار توسط لوقا، پولس و پطرس رسول به کار رفته بود، همه تحت الهام الهی هستند و مطمئناً روح القدس الهام نخواهد شد. یوحنا رسول روز یکشنبه را روز خداوند نامید، در حالی که وی لوقا، پولس و پطرس رسول را الهام بخشید تا روز داوری را «روز خداوند» بنامند. فلسفه دانان از جمله انگیزه های خطاناپذیر مطمئن، و انگیزه اخلاقی قیاس یا استقرا را در نظر می‌گیرند، که ما با استفاده از آن می‌توانیم با قاطعیت از معلوم به مجهول قضیه را نتیجه‌گیری کنیم، و همچنین با اطمینان مطلق از معنای عبارتی که هشت بار تکرار شده است، نتیجه می‌گیریم که همان عبارت تنها زمانی می‌تواند همان معنی را داشته باشد که برای بار نهم نیز تکرار شود، به ویژه هنگامی که بدانیم در دفعه نهم آن عبارات از روح القدس الهام گرفته شده اند.

قویترین دلایل ذاتی نیز نمی‌خواهند اثبات کنند که این متن نیز مانند متون خواهر خود دارای همان معنی است. یوحنا رسول در «مکاشفه باب 1 آیه 10» می‌گوید: «در روز خداوند، در روح شدم». اما وی خود کلید این عبارت را در اختیار ما قرار می‌دهد، «مکاشفه باب 4 آیات 1-2» «پس از آن نظر کردم و اینک پیش رویم دری گشوده در آسمان بود.» صدایی دیگر بار به او گفت: «بالا بیا، و من آنچه را بعد از این می‌باید واقع شود، بر تو خواهم نمود» بیایید تا ما هم با یوحنا از طریق روح صعود کنیم. می‌پرسید به کجا؟--از طریق آن «دری که در آسمان گشوده شده است» به آسمان برویم. و در آنجا چه خواهیم دید؟-- «آنچه را بعد از این می‌باید واقع شود»، «در باب 4 آیه 1». وی در روح به آسمان عروج کرد. به وی نیز امر شد که چشم انداز خویش را از آنچه که قرار بود از قبل و همزمان با «روز خداوند» یا روز داوری اتفاق بیفتد، را به طور کامل بنویسد. عبارت «روز خداوند» در کتاب مقدس منحصراً به روز داوری محدود شده است.

ما با مطالعه و با دقت تمام شواهد موجود را که می‌توانست به نفع حکمی که روز سبّت عهد عتیق را لغو کرده، و یا روز دیگری را جایگزین عصر مسیحیت کند، از عهد جدید جمع‌آوری کرده‌ایم. همچنین احتیاط لازم را به عمل آوردیم که وجه تمایز بخش بالا را در آن رعایت نماییم، تا مبدا که فرمان سوم (در شمارش کاتولیک‌ها، فرمان روز سبّت سومین فرمان است) طبق حکم جدید لغو شد. در مراسم شبانی 1874 هر گونه درخواست اینچنینی

با اقدام مقام اعظم اسقف های متدیست رد شد. و درست در همان تاریخ توسط روزنامه «نیو یورک هرالد» به مفاد زیر چنین نقل شد که: «سَبَّتِی که در آغاز پیدایش برگزار گشت و بارها و بارها توسط موسی و دیگر انبیا مورد تأیید واقع شد، هرگز نسخ نگشته. بلکه تنها بخشی از شریعت اخلاقی آن برداشته شده است، نه قسمتی از قداست آن. که در نتیجه، طی بیانیه رسمی فوق باعث شد تا دسته عظیمی از مسیحیان معتقد به کتاب مقدس به ماندگاری فرمان سوم یعنی «نگه داشتن روز سَبَّت» بر اساس شریعت جدید متعهد گردند.

و بار دیگر ملتسمانه، توجه ویژه خوانندگان خود را به بیستمین «ماده سی و نه مذهبی» کتاب دعای عمومی جلب می نمایم که می گوید: «کلیسا این اقتدار را ندارد که چیزی بر خلاف کلام مکتوب شده خداوند مقرر سازد».

نتیجه گیری

ما در این سلسله مقالات، بسیار تلاش کردیم تا به خوانندگان خود را با ارائه تعدادی از حقایق غیرقابل انکار موجود در کلام خداوند تعلیم داده و آنان را آماده کنیم تا به نتیجه ای کاملاً شکست ناپذیر برسند.

هنگامی که آن نظام کتاب مقدسی مربوطه در قرن شانزدهم ظاهر گشت، نه تنها دارایی های موقت کلیسا را به تصرف خود درآورد، بلکه در جنگ صلیبی مخرب خود، مسیحیت را تا آنجا که می توانست از تمام مقدسات که توسط بنیانگذار آن نهادینه شده بود مانند؛ فدییه و غیره خلع کرد. و همه اینها با حفظ چیزی جز کتاب مقدس، که نمایندگان آن را تنها معلم خود در آموزه ها و اخلاقیات مسیحی می دانند صورت گرفت.

از جمله اصول اعتقادی آنها، ضرورت همیشگی مقدس نگه داشتن سبّت بوده و هست. که در حقیقت، این تنها مقاله ایمان مسیحت در 300 سال گذشته بوده است، که در آن اجماع کلی نمایندگان معتقد به کتاب مقدس حضور داشتند. نگه داشتن روز سبّت مجموع و جوهر نظریه اعتقاد کتاب مقدس را تشکیل می دهد.

هر هفته صدای منبرها با غوغاهای بی وقفه در برابر نحوه سست برگزار کردن روز سبّت در کشورهای کاتولیک به گوش می رسید، چرا که این امر در تضاد با نحوه نگهداری مناسب این روز، در کشورهای معتقد به کتاب مقدس مسیحی، به شکلی دلخواه نگه داشته میشد. آن زمانی که هنوز مسئله افتتاح نمایشگاه جهانی در روز یکشنبه بصورت بلاتکلیف باقی مانده بود، چه کسی می تواند آن خشم پرهیزکارانه و اعضان کتاب مقدس را که از طریق هر منبر پروتستانی در سرتاسر کشور به ما نشان داده شد را فراموش کند. و چه کسی است که امروز این را نداند، آن فرقه ای که، سعی در مقدس جلوه دادن خشم خود از این تصمیم را داشته است، هرگز جعبه هایی را که حاوی مقالات خود در نمایشگاه جهانی بود را باز نکرده است؟

این مسیحیان فوق العاده خوب و نامحسوس، با نگهداری با احتیاط از کتب مقدس خویش، توانستند همتای خود را در طبقه ای خاص از افراد ناسازگار در ایام آن نجات دهنده نیز بیابند، آنانی که شب و روز در پی وی بودند، بیش از حد مضطرب بودند، و بیش از حد متحمل رسوایی شدند. زیرا وی روز سبّت را مانند خودشان به طور مستقیم نگه نمی داشت.

آنان «فریسیان» از وی به دلیل استفاده از عقل سلیم در مورد آن روز متنفر بودند، و او نیز هیچ القابی نیافت که به اندازه کافی بیانگر اهانت شدید به وی در برابر غرور فریسیایی آنان باشد. و از آنجا که ذهن الهی هیچ یک از دیدگاههای خود را تا به امروز تغییر نداده است، به احتمال زیاد این امر باعث بلند شدن فریاد آشکار پیروان و هواداران آنها در پایان قرن نوزدهم می شود.

اما اگر واقع بینانه به تمامی این مسائل بنگریم ، این را متوجه خواهیم شد در حالی که فریسیان قدیم سَبَّت حقیقی را نگاه می داشتند، اما فریسیان امروزی ما که بسیار بر روی زودباوری و سادگی فریب‌های خود حساب باز کرده اند، هرگز یک بار هم در زندگیشان آن سَبَّت حقیقی را که استاد الهی آنان «عیسی مسیح» تا روز مرگش نگاه داشته، و همچنین رسولان وی، با الگو گرفتن از وی ، و حتی سی سال پس از آن، بر طبق کتاب مقدس، آن را نگاه می داشتند، را حفظ نکرده اند. امروزه آشکارترین تناقضی که متشکل از رد عمدی و توهین آمیز نسبت به قطعی ترین حکم «نگه داشتن روز سَبَّت» وجود دارد، از طریق دنیای مسیحی معتقد به کتاب مقدس نیز بر ما نمایان می شود. کلمه اصلی پروتستانیسم متشکل از کتاب مقدس و سَبَّت می باشد: اما چیزی که ما به آن اشاره کردیم این بود که کتاب مقدس مخالف سَبَّتی که آنان نگه می دارند است. ما نشان دادیم که هیچ تناقضی بالاتر از نگرش و نحوه بجا آوردن آنان وجود نداشته است. همچنین ثابت کرده‌ایم که نه اجدادشان در کتاب مقدس و نه خودشان هرگز یک روز سَبَّت را در زندگی خود نگه نداشته‌اند.

بنی اسرائیل و ادونتیسست های روز هفتم دائما شاهد هتک حرمت هفتگی آنان به روزی هستند که خداوند به طور مکرر از آن نام برده است. و درحالی که آنان معلم خود یعنی کتاب مقدس را نادیده گرفته و محکوم می کنند، در عوض روزی را که توسط کلیسای کاتولیک نگه داشته شده ، را برای خود پذیرفته اند. و حال کدام پروتستانی می‌تواند پس از مطالعه این مطالب ، با وجدانی آسوده، به سرپیچی از فرمان خداوند که ما را بر مقدس نگاه داشتن روز شنبه «سَبَّت» امر نموده، همان فرمانی که معلمش یعنی «کتاب مقدس»، از زمان پیدایش تا مکاشفه، آن را به عنوان اراده خداوند ثبت نموده، ادامه دهد؟

تاریخ جهان هرگز نمی‌تواند نمونه ای احمقانه تر و خودسرانه تر از نادیده گرفتن اصول را به ما ارائه دهد. معلم «کتاب مقدس» در هر یک از صفحات خود، قاطعانه اعلام می کند که حکم سَبَّت هفتگی «روز هفتم هفته/ شنبه/سَبَّت» می بایست رعایت شود با وجود اینکه همگان آن را به عنوان «تنها معلم معصوم» می شناسند، با اینحال شاگردان آن معلم بیش از سیصد سال است که حتی یک بار هم آن حکم الهی را رعایت نکرده اند! آن دسته عظیم از مسیحیان معتقد به کتاب مقدس، متدیست ها، اعلام کردند که سَبَّت هرگز نسخ نشده است، در حالی که پیروان کلیسای انگلستان، به همراه دخترش، یعنی کلیسای اسقفی ایالات متحده، بر

اساس ماده بیستم دین که قبلاً نقل شد ، به این حکم که کلیسا نمی تواند شرعاً چیزی را «برخلاف کلام مکتوب خداوند» مقرر سازد، متعهد شدند. کلام مکتوب خداوند چنین امر می دهد که عبادت او در روز شنبه مطلقاً، مکرراً و با تأکید بیشتر انجام شود، و از همه مهمتر، برای کسی که نافرمانی کند با جدیت تهدید به مرگ می کند. تمامی فرقه های معتقد به کتاب مقدس همان موقعیت خودسرانه عمل کردن را در پیش می گیرند، که البته هیچ توضیحی نمی تواند آن را اصلاح و حتی ذره ای توجیه کند.

واقعاً سخنان روح القدس در مورد این وضعیت اسفناک چقدر صحیح است!
«Iniquitas mentita est Sibi»- «بی گناهی به خود دروغ گفته است»

با وجود اینکه به پیروی از کتاب مقدس به عنوان تنها معلم توصیه شده است، اما باز هم در برابر این جهان، تنها معلم حقیقی به طرز تحقیرآمیزی کنار گذاشته شده است، و همواره مقصودشان این است که تعالیم و عملکرد کلیسای کاتولیک – آن «مادر اعمال شنیع»، را بر خود برگزینند- علیرغم رعب انگیزترین هشدارهای خداوند، خود وی بر علیه کسانی است که از فرمان سرپیچی می کنند که می گوید «به یاد داشته باشید که سَبَّت را مقدس نگه دارید».

قبل از به پایان رسیدن این سری از مطالب، یکبار دیگر توجه خوانندگان خود را به مقدمه هریک از عناوین خود جلب می نمایم : 1- سَبَّت مسیحی، فرزندان حقیقی حاصل پیوند روح القدس با کلیسای کاتولیک همسر او. 2- ادعای پروتستانتیسم نسبت به هر بخشی از آن بی اساس، در تناقض با خود و خودکشنده بود.

قضیه اول به اثبات کمی نیاز دارد. کلیسای کاتولیک برای بیش از هزار سال پیش از وجود پروتستان، به موجب رسالت الهی همسرش ، روز مقدس را از شنبه به یکشنبه تغییر داد. ما

به واسطه همان رسالت الهی همسرش می‌گوییم، زیرا او که خود را «صاحب روز سبّت» نامید، او را با قدرت خود برای آموزش وقف نمود: «هر که به شما گوش فرا دهد، به من گوش فرا داده است.» به همه کسانی که به وی ایمان می‌آورند امر نمود تا سخنان او را بشنوند، تحت همان مجازاتی که بر «أجنبی یا خراجگیر» مقرر گشت. و عهد کرد که تا آخر این عصر با او باقی بماند. او امتیاز خود را به عنوان معلم از وی نگه می‌دارد - فرمانی که لغزش ناپذیر و ابدی است. جهان پروتستان در بدو تولد خود، روز سبّت مسیحی را قدرتمندتر از آن دید که بخواهد با وجود آن مخالفت کند. بنابراین، تحت ضرورت موافقت با این امر قرار گرفت، بدین ترتیب حق کلیسا برای تغییر روز سبّت، به بیش از سیصد سال، دلالت دارد. بنابراین، سبّت مسیحی تا به امروز، همچون فرزندان شناخته شده کلیسای کاتولیک به عنوان همسر روح القدس بدون هیچ سخنی از اعتراض از طرف جهان پروتستان می‌باشد.

با این حال، اکنون بیایید تا به گزاره دوم خود نگاهی بیندازیم، که می‌گوید تنها کتاب مقدس به عنوان معلم ما است که می‌تواند هر گونه تغییر در جابجایی روز مقدس را به دلایل مهم به شدت ممنوع اعلام نماید. زیرا این فرمان خواستار یک «عهد جاودانی» است. هرچند، روز مقدسی را که معلم امر به نگه داشتن آن نموده است، یک بار هم نگاه داشته نشده است. بدین ترتیب، از طریق یک اصل ثابت فرضی بود، که بصورت متناقض با خود، خودسرانه، و در نتیجه به همان اندازه همچون خودکشی که زبان تا همین حد توان بیان آن را دارد، یک بازگشت از دین ایجاد شد.

این امر هنوز به مرزهای تضعیف روحیه نرسیده بود. چرا که فراتر از آن، بهانه آنان این بود که تنها در صورتی که کلیسای کاتولیک در پی بازگشت از حقیقت موجود در کلام مکتوب تعلیم داده شده باشد، آنگاه آغوش وی را ترک خواهند کرد. همانطور که این مطالب به وفور اثبات کرده اند، در نهایت آنان کلام مکتوب را به عنوان تنها معلم خود پذیرفتند، هرچند امری را که دیر بدان پی برده بودند، طولی نکشید که به سرعت رهاش کردند، و در نتیجه از طریق انحرافی به عمد و اشتباه، تعلیم کلیسای کاتولیک را که در مخالفت مستقیم با آموزه ساده، بدون تغییر و دائمی معلم یگانه خود «کتاب مقدس» بود را در

اساسی‌ترین آموزه دین‌شان پذیرفتند، و بدین ترتیب بر وضعیتی که می‌توان آن را «یک تمسخر، فریب و دام» نامید، تأکید/ پافشاری کردند.

[یادداشت سردبیر-- در همین نقطه بود که اصلاحات توسط شورای ترنت محکوم شد.] همانطور که در اینجا هم اظهار گشته است، اصلاح‌طلبان دائماً اتهام می‌زدند که کلیسای کاتولیک از حقیقتی که در کلام نوشته شده، منحرف گشته است. و شعارهای همیشگی آنان تشکیل شده بود از: «کلام مکتوب»، «کتاب مقدس و تنها خود کتاب مقدس»، «خداوند اینچنین می‌فرماید». و همچنین «کتاب مقدس به عنوان کلام مکتوب خداوند تنها معیار توسل است». این امر سکوی اعلام شده اصلاحات و پروتستان‌یسم بود. و از طرفی دیگر شعارهایی نظیر: «کتاب و سنت»، «کتاب مقدسی که توسط کلیسا بر اساس رضایت اتفاق نظر پدران تفسیر گشته» موضع و ادعای کلیسای کاتولیک بود. این موضوع اصلی در شورای ترنت بود، که به طور ویژه برای بررسی مسائلی که اصلاح‌طلبان مطرح و مورد توجه اروپا قرار داده بودند، فراخوانده شد. اولین سؤالی که در مورد ایمان مورد توجه شورا قرار گرفت، سؤال مربوط به همین موضوع بود. در آن شورا حتی یک حزب قوی از کاتولیک‌ها هم حضور داشت که با کنار گذاشتن سنت و پذیرش تنها کتاب مقدس به عنوان معیار قدرت موافق بود. در حقیقت این دیدگاه به حدی قاطعانه در مناظره‌های آن شورا مطرح شد که حتی نمایندگان پاپ نیز به او نوشتند که «به شدت خواستار تجدیدنظر در کنار گذاشتن سنت‌ها و پذیرش کتاب مقدس به عنوان تنها معیار هستند». اما انجام این کار آشکارا به معنای پیمودن راهی طولانی در جهت توجیه ادعای پروتستان‌ها بود. در نتیجه بخاطر وجود وضعیت بحرانی فوق، یک شورای کاتولیک ایجاد شد تا دیگران را متقاعد سازد که باور «کتاب مقدس و سنت» تنها زمینه مطمئن برای ایستادن است. اگر این کار با موفقیت انجام می‌شد، این شورا قادر بود حکمی مبنی بر محکومیت اصلاحات صادر کند، اما در غیر این صورت خیر. این سوال هر روزه مورد بحث قرار می‌گرفت تا اینکه شورا به طور منصفانه به بن بست برخورد. سرانجام، پس از یک فشار روانی طولانی و شدید، شخص اسقف اعظم به نام «رجی» با استدلال اساسی در مورد حزبی که تنها به کتاب مقدس اعتقاد داشت، وارد شورا شد:

«پروتستان ها ادعا می کنند که ایمان شان تنها بر پایه کلام مکتوب خداوند است». آنها ادعا می کنند که دیدشان نسبت به کتاب مقدس به عنوان تنها معیار ایمان شان است. همچنین برای اظهار توجیه خود، چنین ادعا می کنند که کلیسا از کلام مکتوب منحرف شده و از سنت پیروی می کند. اما اکنون آن ادعای پروتستان که تنها کلام مکتوب خداوند را نگاه می دارند، صحیح نیست. همچنین اظهار نظر آنان در مورد نگه داشتن تنها کتاب مقدس به عنوان معیار ایمان، غلط است. اثبات: کلام مکتوب صریحاً ما را به «رعایت / نگه داشتن روز هفتم» به عنوان «سبت» خداوند امر نموده است. اما آنان نه تنها «روز هفتم/ سبت» را نگه نمی دارند، بلکه آن را نقض هم می کنند. ولی اگر واقعاً کتاب مقدس را به عنوان تنها معیار خود نگه میداشتند، می بایست «روز هفتم/ سبت» را همانطور که در سرتاسر کتاب مقدس به نگهداشتن آن امر شده است را نیز رعایت می کردند. اکنون با تمامی این اوصاف، آنها نه تنها نگهداشتن «روز سبت» را که در کلام مکتوب مقرر شده را رد می کنند، بلکه در عوض نگهداشتن روز یکشنبه را پذیرفته و برگزار می کنند، که این امر تنها به معنای پیروی از سنت کلیسا است. در نتیجه ادعای «کتاب مقدس به عنوان تنها معیار» با شکست روبرو شد؛ و آموزه «کتاب و سنت» به عنوان یک ضرورت، کاملاً مقرر شد، و حال خود پروتستان ها داور هستند.

هیچ راه حلی برای دور زدن این امر وجود نداشت، زیرا در بیانیه ایمانی خود پروتستان – در سال 1530 به اعتراف آگسبورگ - به وضوح اعتراف کرده بود که «مشاهده روز خداوند» تنها توسط «کلیسا» تعیین شده بود.

این بحث در شورا تنها به عنوان یک بحث الهام بخش مطرح شد. در این شورا جناح پیرو شعار «تنها کتاب مقدس» تسلیم شد. و شورا فوراً به اتفاق آرا، پروتستانتیسیم و کل اصلاحات را محکوم کرد و آن را تنها یک شورش بی جا نسبت به جامعه و اقتدار کلیسای کاتولیک دانست. و در 8 آپریل 1546 «به انتشار دو فرمان، که در اولی، با تحقیر، چنین مقرر شد که کتاب مقدس و سنت باید به طور یکسان مورد احترام همگان قرار گیرند و کتب متعارف دوم (کتب ساختگی / دروغین) بخشی از شریعت کتاب مقدس هستند. و فرمان دوم «Vulgate / نسخه لاتین قدیمی کتاب مقدس» را به عنوان تنها نسخه معتبر و استاندارد لاتین اعلام کرد و به آن چنان اختیاری داد که جایگزین آزمون های اصلی شود. همچنین

تفسیر کتاب مقدس را بر خلاف مفهوم دریافت شده توسط کلیسا، «یا حتی بر خلاف رضایت اتفاق آراء پدران» و غیره ممنوع اعلام کرد.

بنابراین این ناهماهنگی بی رویه پروتستان با مسلک پروتستان بود که زمینه دلواپسی کلیسای کاتولیک را نسبت به مسئله مورد نظرش را فراهم ساخت، تا پروتستانیسیم و کل جنبش اصلاحات را تنها به اتهام یک شورش خودسرانه و جاه طلبانه علیه اقتدار کلیسا محکوم کند. و در این جدال حیاتی، اصلی ترین و انباشته ترین کلید بیان ناسازگاری پروتستانی، رد «سَبَّت خداوند، روز هفتم» که در کتاب مقدس به نگهداشتن آن سفارش شده بود و براساس باور کلیسای کاتولیک به نگهداشتن «روز یکشنبه» سفارش شد.

و امروز، موضع طرفین در این مناقشه همین است. و همانطور که این سند به ما نشان می دهد، این موضوع که کلیسای کاتولیک پروتستانیسیم را بر اساس آن محاکمه می کند امری حیاتی است. و بر اساس روندی که وی پروتستانیتیسیم مشهور را به عناوین «غیر قابل دفاع، متناقض با خود و خودکشنده» محکوم می سازد، حال این پروتستان ها، این پروتستانیتیسیم چه خواهند کرد؟]

هر یک از کشیشان محترم، که عادت دارند با بانگ بلند بر سر هر بی حرمتی چه حقیقی و چه فرضی آن متقلب پارسا نسبت به سَبَّت کتاب مقدس فریاد برآرند، می بایست برای ورود به محضر اعتراض به منطق و تشریح کتاب مقدس ما نسبت به آن نازپرورده دورگه شان به خوبی بیاندیشند، ما نیز می توانیم به آنها این وعده را بدهیم که هر گونه تلاش منطقی از سوی آنان برای جمع آوری قطعات پراکنده از نوشته های ترکیبی و بازگرداندن موجودیت تحریک آمیز، با صمیمیت واقعی و ملاحظات محترمانه از سوی ما مواجه خواهد شد.

اما می‌توانیم به خوانندگان خود این اطمینان را بدهیم که آنقدر این زوزه کشان نسبتاً محترم را خوب می‌شناسیم که نیازی نیست منتظر صدایی از سوی آنان باشیم. و آن‌ها نیز ما را به خوبی می‌شناسند که نمی‌توانند خود را در معرض آسیب‌هایی قرار دهند که تشریح بیشتر این سؤال ضد کتاب مقدس لزوماً مستلزم آن است. سیاست آنها در حال حاضر این است که «عقب نشینی کنند» و مطمئناً آن را اتخاذ خواهند کرد.

ضمیمه اول :

از آنجا که این مطالب از منبعی غیرقابل انکار و بدون لحنی نامشخص، آخرین مرحله از جنجال روز یکشنبه را به ما ارائه می‌دهند، این نسخه توسط ناشران به چاپ رسیده و به ما ارسال گشته است، مطالبی که در واقع تاکنون برای مدتی نه تنها یک مسئله ملی با کشورهای پیشرو، بلکه یک مسئله بین‌المللی نیز بوده است. نه اینکه ما از این شرایط خوشحال باشیم، بلکه در عوض دلمان می‌خواهد که اوضاع طور دیگری نیز باشد. ما دلمان می‌خواهد که پروتستان‌ها در همه جا آنقدر در حرفه و عملکردشان ثابت قدم باشند که هیچ فضایی برای روابط بین آنها و روم وجود نداشته باشد که هرگز شکلی که تاکنون نداشتند را به خود بگیرند.

اما وضعیت کنونی در رابطه با این موضوع به همین شکل که در اینجا بیان شد می‌باشد. و هیچ راه‌گریزی هم از این واقعیت وجود ندارد. بنابراین، این وظیفه انجمن بین‌المللی آزادی مذهبی است که منظر حقیقی این سؤال بزرگ را تا جایی که ممکن است به طور گسترده به همگان بشناساند. نه به این دلیل که ما از داشتن آن راضی هستیم، بلکه تنها به این خاطر که هر آنچه که ما یا هرکسی دیگر می‌خواهد یا نمی‌خواهد از داشتنش خشنود باشد.

درست است که ما سال‌ها به دنبال این بودیم که این سؤال دقیقاً همان نگرشی که اکنون اتخاذ کرده است و به وضوح در این جزوه نیز بیان شده است، را داشته باشد. ما بارها و بارها به مردم و به ویژه پروتستان‌ها، و به ویژه به کسانی که از قوانین یکشنبه و به رسمیت شناختن و برگزاری قانونی آن توسط ایالات متحده حمایت می‌کردند گفته ایم، که در آن دوره ای که این قانون دنبال می‌شد، مستقیماً در جناح روم بازی می‌کردند. و همانطور که مطمئناً آنها موفق شدند، ناگزیر از طرف روم و همچنین مقامات رومی نیز فراخوانده می‌شدند تا به آنها توضیح دهند که چرا یکشنبه را باید نگه دارند. ما سال‌هاست که به مردم گفته ایم، که این اتفاق قطعاً رخ خواهد داد. و اکنون که به وقوع پیوسته، تنها وظیفه ما این است که آن را به همان اندازه که در اختیار داریم، به طور گسترده ای به اطلاع همگان برسانیم.

ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا روم قبلاً به این اندازه شجاع ظاهر نشد؟ چرا اینقدر صبر کرد؟ به این دلیل که قبلاً علاقه ای به انجام این کار نداشت. زیرا زمانی که می‌بایست حرکت می‌کرد، نیاز داشت تا با قدرت حرکت کند، اما هنوز به آن قدرت دسترسی نداشت. اما پروتستان‌های ایالات متحده در تلاش‌های شدید خود برای به رسمیت شناختن و تأسیس دولت ملی در روز یکشنبه، بیش از آنچه که او «روم» می‌توانست، در مسیر به دست گرفتن قدرت دولتی در دستانش، به نفع خود انجام دهد، برایش انجام دادند. او که به خوبی از این امر آگاه بود پس بنابراین تصمیم گرفت که فقط منتظر بماند. و اکنون که پروتستان‌ها در اتحاد با او این کار هولناک را به انجام رسانده اند، او بلافاصله با تمام تکبر درونی و نیت پیشین خود قیام می‌کند و از پروتستان‌ها می‌خواهد که به خاطر برگزاری روز یکشنبه به او پاسخ دهند. او از این جهت مرتکب این کار می‌شود، زیرا از قدرتی که پروتستان‌ها کورکورانه به دست او سپرده اند، اطمینان دارد. به عبارت دیگر، قدرتی که پروتستان‌ها بدین ترتیب به دست او سپرده اند، اکنون برای نابودی خودشان استفاده خواهد شد. و اکنون آیا شواهد دیگری برای نشان دادن اینکه آینه کاتولیک (که به معنی کاردینال/مجمع خبرگان و کلیسای کاتولیک در آمریکا است) به جز آنچه در صفحه 21 این جزوه ارائه شده است، در انتظار این امر بوده است؟ حالا لطفاً بسته را بچرخانید و به آن صفحه نگاه کنید و آن نقل قولی را که از روزنامه نیویورک هرالد مربوط به سال 1874 بریده شده، و اکنون این مطلب را بیان می‌کند را ببینید. آیا این خود به وضوح نشان نمی‌دهد که آن بیانیه اسقف‌های متدیست، درست در چنین زمانی بوده است؟ و فراتر از این، پروتستان‌ها چیزهای بیش از این قبیل خواهند یافت که به این طریق ترتیب داده شده اند، و هنوز به گونه‌ای مورد استفاده قرار خواهند گرفت که آنان را شگفت‌زده و سردرگم می‌سازد.

در حال حاضر این مسئله نیردی است بین کلیسای کاتولیک و پروتستان ها. پس به این ترتیب، ما تنها همین سرمقاله‌های «آینه کاتولیک» را مجدداً منتشر می‌کنیم. نکاتی مورد بحث، نکاتی هستند که توسط خود پروتستان ها به نفع خودشان ادعا شد. و این استدلال توسط کلیسای کاتولیک ارائه شد. این پاسخ به آن دسته از پروتستان هایی است که یکشنبه را نگه می‌دارند، نه به ما. در حقیقت ما می‌توانیم بگوییم که: «این مراسم تشییع جنازه ما نیست / این مسئله هیچ ربطی به ما ندارد».

اگر آنان هیچ پاسخی به این سوال ندهند، او این سکوتشان را نیز به عنوان اعتراف آنان تلقی کرده و بر علیه خودشان از آن استفاده می‌کند. اما اگر پاسخ دهند، او از سخنان خودشان بر علیه خودشان استفاده می‌کند، و هر لحظه امکان دارد از قدرتی که به دستان او سپرده اند استفاده کند. به این ترتیب، تا آنجا که از او بر می‌آید، چه پروتستان ها پاسخ دهند یا پاسخ ندهند، همه برایش یکسان هستند، و اینکه او چگونه به آنان نگرسته، و آن روحیه ای که او در نظر دارد از این پس با آنها برخورد کند به وضوح در چالش مطرح شده در آخرین پاراگراف مطالب چاپ مجدد نمایان گشته است.

تنها یک پناهگاه برای پروتستان ها باقی مانده است. این بدان معناست که آنها به طور کامل و مستقیم در مورد شعارهای «تنها کلام مکتوب»، «کتاب مقدس و تنها خود کتاب مقدس» و بنابراین در سبب خداوند، موضع گیری کنند.

بدین ترتیب، تنها با اعتراف به قدرت خداوند، و برتن کردن تنها جامه اطاعت از فرمان او، «حزقیال باب 20 آیات 12، 20» و سپر قدرت او، در برابر روم و همه اتحادهای او پیروز خواهند شد. آنگاه بر دریای شیشه ای خواهند ایستاد و چنگهایی که خدا به آنان داده را به دست خواهند گرفت. و پیروزی شان را تا به ابد جشن خواهند گرفت. «مکاشفه باب 18، و باب 15 آیات 4-2»

هنوز برای پروتستان ها دیر نیست که خود را از این وضعیت خلاص کنند. اما آیا براستی آنها این کار را انجام خواهند داد؟ آیا آنها پیوسته بر اعتراف پروتستان خواهند ایستاد؟ یا اینکه همچنان به «موقعیت غیرقابل دفاع، متناقض با خود و خودکشنده» ادعای پروتستان بودن، در عین حال ایستاده در زمین کاتولیک، تحمل توهین کاتولیک ها، و محکومیت کاتولیک ها ادامه خواهند داد؟ آیا آنان به راستی «تنها کلام مکتوب، تنها کتاب مقدس» را به عنوان تنها مرجع و تنها معیار خود در نظر خواهند گرفت؟ یا اینکه همچنان از تعالیم و روش «غیرقابل دفاع، متناقض با خود و خودکشنده» او پیروی کرده و با برتن کردن نشان اقتدار او، از اقتدار کلیسای کاتولیک حفاظت خواهند کرد؟ آیا برطبق فرمان کتاب مقدس، سبّت خداوند، یعنی روز هفتم را نگه خواهند داشت؟ یا اینکه مطابق با سنت کلیسای کاتولیک باز همان یکشنبه را نگه خواهند داشت؟

خواننده عزیز، شما کدام را انجام خواهید داد؟

ضمیمه دوم :

از زمانی که اولین نسخه این نشریه چاپ شد، موارد زیر در سرمقاله ای آئینه کاتولیک در 23 دسامبر 1893 ظاهر گشت:

«اشتیاق این سرمقاله ها و چاپ مجدد آنها توسط انجمن بین المللی آزادی مذهبی، که در شیکاگو، تحت عنوان «چالش رم» با طرح یک سوال منتشر شد : چرا پروتستان ها یکشنبه را نگه می دارند؟ و برای فروش در شیکاگو، نیویورک، کالیفرنیا، تنسی، لندن، استرالیا، کیپ تاون، آفریقا، و آنتاریو، کانادا، همراه با تقاضای مستمر،» آئینه کاتولیک را بر آن داشت تا برطبق تقاضا به آنها شکل دائمی دهد.

صفحات این رساله یکی از آشکارترین تضادهای موجود بین عمل و نظریه جهان پروتستان را برای خواننده آشکار می‌کند، یعنی نظریه ای که تنها کتاب مقدس را به عنوان معلم خود دانسته، و هیچ راه حل منطقی برای آن وجود ندارد، که به صراحت و به طور قطعی بدان فرمان می‌دهد که روز شنبه «سَبَّت» را «مقدس» نگه دارند، و این در حالیست که عملکرد آنان ثابت می‌کند، که آنها الزامات بی‌چون و چرای معلم خود، «کتاب مقدس»، را کاملاً نادیده گرفته و بمدت سه قرن و نیم در زمین کاتولیک مشغول به کارند. امروزه آنها با کنار گذاشتن نظریه «تنها کتاب مقدس» خود، در برابر جهانیان به عنوان نمایندگان نوعی از نظام ایستاده اند که «غیرقابل دفاع ترین، خود متناقض ترین و خودکشنده ترین» سیستمی است که می‌توان تصور کرد.

«ما احساس می‌کنیم که نمی‌توانیم خوانندگان خود را بیشتر از تولید «پیوستی» که انجمن بین‌المللی آزادی مذهبی، یک سازمان فوق پروتستان، به چاپ مجدد مقالات ما اضافه کرده است، علاقه مند کنیم. مطالعه دقیق ضمیمه این واقعیت را تأیید می‌کند که استدلال ما غیرقابل پاسخ است، و اینکه بازنشستگی از قلمرو کاتولیک جایی که آنها این کار را انجام دادند، همان بازنشستگی از قلمرو کاتولیک است که برای سه قرن و نیم اشغال کرده و معلم خود «کتاب مقدس» را با حسن نیت پذیرفتند، همانطور که نویسنده «ضمیمه» به وضوح پیشنهاد کرده است، بلافاصله سَبَّت را نگه دارید، روزی که کتاب مقدس از پیدایش تا مکاشفه مقرر ساخته است. و یا دیگر با رها کردن کتاب مقدس به عنوان تنها معلم خود، همچون مهاجمان و تضاد زنده با اصول خود نباشید و به عنوان شهروندان پادشاهی مسیح بر روی زمین - «کلیسای او» - نامه های پذیرفتگی تان را دریافت کرده، و دیگر قربانی تضادهای واهی و ضروری خود نباشید.»

استدلال های موجود در این جزوه کاملاً بر کلام خداوند استوار است. و با مطالعه دقیق کتاب مقدس، هیچ راه فراری برای پروتستان وظیفه شناس باقی نمی‌گذارد، مگر اینکه به فرمان تنها معلمش «کتاب مقدس» عبادت روز یکشنبه را رها کرده و مجدداً به روز شنبه «سَبَّت» بازگردد، یا، به دلیل عدم تمایل به ترک سنت کلیسای کاتولیک، که دستور به نگهداشتن یکشنبه ها را می‌دهد، و آن را در مخالفت مستقیم با معلم خود، «کتاب مقدس» پذیرفته، و بطور پیوسته آن را در تمام آموزه هایش می‌پذیرد. عقل سلیم مستلزم پذیرش یکی

از این گزینه‌ها است: یا پروتستان‌تیسیم و روز شنبه یا کاتولیک و یکشنبه. سازش با هر دو در کنار هم امریست غیرممکن.